

آریائی

www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES



پولهای معارف و مکاتیب چگونه تاراج گردید؟؟؟

« مرورتند به کارکردهای یونس قانونی از وزارت معارف تا ولسی جرگه »

بخش ششم (تحقیق و پژوهش استاد صباح)

بی شرم ترین کرسی داران آنهایی هستند که ناکارآمدی و اشتباهات خود را به دیگران نسبت می دهند.



کشتند بشر را که سیاست این است
کردند وطن تبه که حکمت این است

**اینان در زیری نام جهاد و مقاومت
بنمودند فتنه که مهارت این است.**

دراجماع کنونی، آدمهایی را می یابیم که متاسفانه با گذاشتن يك نقاب دروغین برچهره واقعی خود ویا نقش بازی کردن، درکنارواقعیت ها زندگی میکنند! اما این نقاب همواره ازچهره واقعی آنان برداشته میشود، چرا که چهره واقعی زیرنقاب بالاخره روزی خود نمایی خواهد کرد وحقیقت روشن خواهد شد. همچنین فردی که با شخصیت دروغین خود، زیرنقاب زندگی میکند، تنها کسی است که واقعیت امر را بخوبی میداند وازآن آگاهی کامل دارد. البته هرقدرفرد بتواند استادانه ترعمل کند، شاید بتواند خود را پنهان دارد و مردم را کماکان بفریبید! چرا که فرد تا آخرین لحظات حیات خود زیرنقاب خویش، به ایفای موفق نقش مشغول است. واین توفیق کاذب، برای اوپاداشی به حساب میاید وهمواره شاید برای آنان نوعی مفهوم داشته باشد، اما از نظر عموم انسانها، چنین زندگی به مفهوم واقعی زنده بودن وزندگی کردن نیست. آنان با دیگران بیوندي ندارند. آنان تنها هستند وتنها میمانند!

انسانهای جفنگ که درظاهرخودراچیزفهم میداند اما عادت دارند، بیش ازاینکه گوش دهند، صحبت میکنند. خود را وارد هرگفتگویی میکنند که با توسل به دروغ هم که شده خود را مطرح می سازند. اینان تحمل پذیرش اشتباهات خود را ندارند. خود راهمواره حق به جانب میدانند. آنها پیشنهادات را رد میکنند، چراکه پذیرش آنها را نوعی فرودستی میدانند.

مسعود درمورد قانونی: یکی ازخبرنگاران بی بی سی حکایت می کرد که پاری با احمد شاه مسعود دردوران مقاومت گفتگویی داشتم واحمد شاه مسعود درجریان سخنانش ازفرهنگیان وآگاهان کشورشکایت داشت که نمی آیند ودربخش های فرهنگی وعلمی هم کاری نمی کنند! درین زمان ازینچره به بیرون نگاه کردم ودیدم که یونس قانونی با چند تن دیگر گرم گفت گو بود! و برای احمد شاه مسعود گفتم بازهم خوب است که شخصیت هایی مانند یونس قانونی با شما کار می کند. احمد شاه مسعود با ناراحتی گفت - اوکسی است که افغانستان را با یک دالرمعاوضه می کند! می گویند یکی ازکسانی که درریاست جمهوری بیبوسته آب راگل آلود می کند تا ماهی مراد بگیرد، همین یونس قانونی است! درمحورتمام اندیشه هاوتلاش های اوتنها منافع خود ووابسته گانش قراردارد، کسی گفت دست کم پنجاه تن از نزدیکان اوهم اکنون به نام دیپلومات درنماینده گی های سیاسی افغانستان کارمی کند! اویکی ازمافیای بزرگ تاجیکان است که بیبوسته حق یک قوم بزرگ را با چند تن دیگرزهرمارکرده است. (ف فاریابی - دعوت).

یونس قانونی وزیرپیشین معارف به اختلاس ۲۵ میلیون دالرمتهم است. اواین پول را ازبودجه دولت زد و بعد در کارزارانتخاباتی ومصارف شخصی صرف نمود. ملالی جويا زمانی درداخل پارلمان برای رسیدگی به این خیانت، صدایش را بلند نمود اما کسی آن را نشنید وازآنجایی که قانونی رییس پارلمان بود، با دسیسه ای جويا را اخراج نمود تا قضیه برای همیشه بخوابد. وي فعلاً معاون اول دولت است.

هچنان دوسیه اختلاس بیست و پنج میلیون دالری یونس قانونی درکمیسوین مبارزه با فساد و ارتشای اداری پارلمان تحت بررسی می باشد. این منبع افزود که اختلاس مربوط به دوران وزارت قانونی می باشد. یونس قانونی در دولت موقت به عنوان وزیر معارف حضورداشت. چنانچه اسناد این اختلاس افشا شود، قانونی را ضمن محاکمه می توان از دولت وبپارلمان اخراج کرد. گفتنی است که گمان می رود درتمام وزارتخانه هااز این دست اختلاس وجود داشته باشد.

یونس قانونی یکی ازمتهمان اصلی نقض حقوق بشردرکشورومتهم به اختلاس بیست و پنج میلیون دالر آمریکایی کیست که هرگاه صدای مردم گرسنه وزخمی درپارلمان بلند می شود، مانع شده و آن را سرکوب می کند؟ مگر پارلمان محلی برای بازتاب مطالبات وخواسته های مردم نیست ومگرباید چند دزد وادمکش و قاچاقچی مواد مخدر، برای پیش بردن اهداف ضد مردمی خود، هرچه خواستند بگویند و انجام دهند؟ بخورند و بخوابند و طرح های ضد مردمی را تصویب کرده و درجنایت و زد و بند واختلاس وچور وچپاول داریی های مردم دست بازداشته باشند؟

یونس قانونی رییس ولسی جرگه زمانی نتوانست خشم خود را پنهان کند. درجریان جلسه ملالی جويا که پس ازمدت ها غیبت درپارلمان حضور یافته بود، ازحنیف اتمر پرسید که درقبال اختلاس بیست و پنج میلیون دالری یونس قانونی درزمان وزارت معارف ایشان چه می کنید؟ پیش ازپاسخ اتمر، یونس قانونی که این سوال را متوجه خودش دانست گفت که گمانم خانم جويا هفته نامه وطندارراخوانده است و این خبر دروغ در آنجا نشر شده است.

ایشان ادامه دادند ، من پاک ترین وزیرآن بودم (قانونی ! شما ازهمه گناهان چون آینه پاک هستید، قضاوت را به مردم بگذارید) . قابل یادآوری است که هفته وطندارخبراختلاس بیست و پنج میلیون دالری یونس قانونی را منتشر کرده بود. این هفته نامه ضمن انتشاراین خبردرانتها آورده بود که این مطلب را یکی ازمقام های ارشد دولتی نیزتایید کرد. ریس

جمهوریبا نشراین حقایق بلا فاصله هفته نامه متذکره رامصادر نمودند. لازم به ذکر است که اقدام کرزی مبنی برمصادره این روزنامه مخالف قانون رسانه ها و آزادی بیان بود وایشان حق چنین کاری را نداشتند. قانونی بادیده درایي مسله عفو مجرمین جنگی رادر پارلمان پیش کشید وباین کارزمینه عفو خودوشرکای جرمی اش رامساعد گردانید.

ولسی جرگه طرحی را تحت عنوان 'مصالحه ملی' تصویب کرده که بر اساس آن، جناحهای درگیر در جنگهای داخلی این کشور، از پیگرد قضایی در امان خواهند بود. طرح موسوم به 'مصالحه ملی' که دارای یازده بند است، از سوی یک کمیسیون ۹ نفره اعضای مجلس نمایندگان ارایه شد وبعد از بحثهای طولانی، به تصویب رسید. سخنگوی کمیسیون ارایه کننده این طرح گفت بر اساس "طرح مصالحه ملی"، باید برای تمام جناحهای سیاسی افغانستان، ضمانت روانی وجود داشته باشد. در طرح معافیت گروههای درگیر در جنگهای داخلی آمده است که باید تمامی جناحهای درگیر در جنگهای سه دهه اخیر، باید از هر نوع پیگرد قضایی و حقوقی در امان باشند.

اعضای بیشتر گروههایی که متهم به دست داشتن در جنگهای خونین سه دهه گذشته کشور هستند که در مجلس حضور دارند. این طرح، بیشتر کسانی را در بر می گیرد که هم اکنون در دولت یا پارلمان حضور دارند. طرح معافیت قضایی شرکت کنندگان در جنگهای داخلی در حالی به تصویب مجلس نمایندگان رسید که گروه دیده بان حقوق بشر در گزارش اخیر خود، ضمن کند خواندن روند پیشرفت و بازسازی افغانستان، بار دیگر شماری از رهبران جهادی کشور را، به نقض حقوق بشر متهم کرده است. ارایه کنندگان طرح اخیر، نسبت به گزارش دیده بان حقوق بشر نیز واکنش نشان داده و آن را بی اساس خوانده اند. اعضای مجلس، با معافیت قضایی شرکت کنندگان در جنگهای داخلی کشور مخالفت کردند. آنها می گفتند عاملان ویرانی افغانستان نباید بخشیده شوند. شماری از نمایندگان مخالف طرح معافیت قضایی شرکت کنندگان در جنگهای داخلی می گفتند که بخشیدن جنایتکاران باید توسط مردم انجام شود و مردم باید در مورد آنها تصمیم بگیرند. در جلسه مجلس همچنین اعلام شد که هر کدام اعضای پارلمان کشور از این پس چهار محافظ شخصی خواهند داشت. قانونی رییس مجلس گفت مقامات امنیتی طرح افزایش محافظان شخصی اعضای مجلس را پذیرفته اند. قانونی گفت به هر کدام از محافظان نمایندگان مجلس، به اندازه سربازان اردو و پولیس ملی معاش پرداخت خواهد شد. وهر نماینده ماهانه دوهزار دالر بر علاوه حقوق و امتیازات دیگر دریافت مینمایند. هر وکیل پنج سال یعنی شصت ماه را در مجلس گذرانید و یکصد و بیست هزار دالر آمریکای از بودجه و پول بیت المال را نوش جان کردند ولی ده دالر نفع به کشور نرسانند.

نامه یک مامور از عملکرد برادر یونس قانونی

این جانب ف، م از اداره تفتیش و کنترل ریاست عمومی اداره امور مطلب را به شما فرستادم. همان طوری که می دانید تفتیش و کنترل مربوط ریاست جمهوری است. رئیس این دفتر شریفی صاحب برادر بزرگ محمد یونس قانونی می باشد که از یازده سال پیش مقرر شده است. این که تفتیش و کنترل چه وظیفه دارد و چه خدمتی کرده، خدا خودش می داند. مگر من موضوعی را می خواهم به مردم بگویم که پیش چشم من اتفاق افتاد. رئیس صاحب شریفی نه در جهاد بوده و نه در مقاومت عضویت داشته. رابطه نزدیک کرزی و یونس قانونی علت شخصی شدن ریاست کنترل و تفتیش بوده و حالا هم است. عرض شود که فامیل شریفی و قانونی از دوازده سال به این طرف در لندن هستند. تمام برادران دیگرشان در سفارت های کشور و وظیفه دارند. شریفی یک وظیفه دارد که هیچ مرد یا بچه جوان را در اطراف خود مقرر نمی کند. همه زنان و دختران را استخدام می کند. زنجاری و سوء استفاده شریفی صاحب به حدی است که همه می دانند ولی کسی جرئت انتقاد ندارد. دوسال پیش سکرتر شریفی که یک دختر مقبول بود کارش به رسوایی کشانده شد و باردار شد. دختر وقتی حامله شد شریفی را زیر فشار گرفت که یا مرا بگیریا موضوع را به مطبوعات می گویم. شریفی یک فریبی به کاربرد که جان خود را خلاص کرد مگر دختر و دریاور خود را در دام بلا داد. شریفی به دختر گفت: ترا از دست نمی دهم، یک چاره کار را می سنجم. با استفاده از پول بی حسابی که از حساب چوکی دولت در اختیار دارد، به یک طریقی نقیب دریاور خود را که بچه کاکایش نیز است، راضی کرد که با دختر ازدواج کند. نقیب که دستش زیر سنگ آمرشعبه بود و از یک طرف صاحب زن و دواولاد هم است، معلوم نشد که چطور زیر تاثیر شریفی رفت و با مصرف کلان شریفی در یک هتل با دختر ازدواج کرد. جالب این بود که پول مصرف طوی و خرج عروسی را شریفی به دختر پرداخت کرد و دختر خودش به نقیب گفت که تمام مصارف را من به گردن می گیرم.

همان طوری که پلان کرده بودند، طوی و معامله گذشت. شریفی از جانب خود برای نقیب و عروس جدید یک اپارتمان در مرکز خریداری کرد. حالا معلوم نیست که از زور تفتیش و کنترل این اپارتمان را به آن ها داده بود یا کدام چیز دیگر. وقتی برادران نقیب عتیق و حمیدالله از قضیه خبر شدند تا سرحد مرگ برادرشان را لت و کوب کرده و با اطلاع از راه جوری بچه کاکای شان یعنی شریفی، بسیار به خشم بودند. دوماه بعد طلاق خط را به قلم خود نقیب نوشته کرده و زن را از خانه کشیدند. حتی مصارفی را که دختر و شریفی

کرده بودند به آن ها مسترد کرده و برادرشان را از ریاست کنترل و تفتیش کشیدند و با خود به مستری خانه بردند. نقیب حالا به اصل گپ فهمیده و بسیار لاغر شده است. من که خیردارم شریفی به دخترگفته که من باشم در غم هیچ چیز نباش. رئیس صاحب جمهور! مهم ترین افراد حکومت شما که بالای عزت و ابروی بچه کاکای خویش رحم نمی کنند، چطور انتظار دارید که خدمت شان به مردم برسد؟ من وقتی فرمان رئیس جمهور را درباره مبارزه با فساد اداری از تلویزیون شنیدم، لازم دانستم که این قصه را برای شما بنویسم.

بسم الله محمدي وزير دفاع

من اگر برخیزم ، تو اگر برخیزی ، همه برمی خیزند .



کنفوسیوس : در این غم نباشید که چرا به فلان مقام نرسیده اید . در این فکر باشید که آیا لیاقت آن مقام را دارید . از این غم نخورید که چرا مشهور نیستید بلکه بکوشید تا شایسته شهرت شوید .
مرد بزرگ بفکر صفات خویش است و مرد پست بفکر جاه خود ، اولی از اشتباه و خطای خویش می ترسد
دومی از بی مهری دیگران .

مرد بزرگ در جستجوی حق است و مرد پست بدنبال منفعت .
من هر روز از سه جهت در خود می نگرم اول آنکه آیا در رفتار با دیگران از حکم وجدان سر نمی تابم ؟
دوم آنکه آیا با دوستان از راه صدق و صفا بیرون نمی روم ؟ سوم آنکه در هدایت دیگران آیا خود بخلاف
آنچه تعلیم می دهم عمل نمی کنم ؟

حسابرسی به اختلاس کلان در شفاخانه سردار داود خان کم کم شکل جدی به خود می گیرد. فرماندهی ناتو اسناد معتبر و اثبات کننده در اختیار دارد که بخش اعظم تجهیزات پزشکی پیشرفته که در اختیار ریاست صحنه وزارت دفاع گذاشته شده بود، دزدی شده است. مبلغ دزدی شده چهل دو میلیون دالر اعلام شده است.
نام جنرال احمد ضیا یفتلی رئیس صحنه و جنرال محمد زمان غیرت مل رییس پیشین شفاخانه در صدر افراد مظنون قرار داشته است. در سال دوهزارده به دلیل دست داشتن افراد ارشد وزارت دفاع به ویژه جنرال بسم الله محمدی لوی درستیز سابق و وزیر دفاع برحال ، این قضیه از سوی مراجع قضایی پیگیری نشد. اما با تشدید اختلافات بین حکومت کابل و متحدان غربی، فرماندهی ناتو فشار می آورد تا سرنوشت پول های اختلاس شده را روشن کند. دزدی 42 میلیون دالر آن هم در یک شفاخانه، نشان می دهد که در دیگر بخش های حکومت قضیه از قرار است.
در سال دوهزارده جنرال غیرت مل گفت این مساله به سرطیب شفاخانه هیچ ارتباط ندارد و تمام اکمالات از طریق ریاست صحنه صورت می گرفت همچنان تمام اجناس توسط معتمد از این ریاست گرفته می شود و در حساب معتمد قید می گردید و صلاحیت مصارف اجناس را نیز معتمد دارد. جالب این است که در جلسه یی که به همین مناسبت سال گذشته در ارگ دایر شد؛ فیصله گردید که ناتو صرفاً ادعا هایی را درین زمینه مطرح می کند و کدام سندی ارائه نداده است.
جنرال یفتلی به هدایت مستقیم جنرال بسم الله محمدی، بسته های بزرگ و کارت های تجهیزات بسیار عصری شفاخانه را که از سوی ناتو در اختیار وزارت دفاع قرار داده شده بود، به خارج از شفاخانه منتقل کردند. قوای ناتو به طور مداوم برای اکمال نیاز های صحنه اردو، محموله های بزرگی را به داخل شفاخانه انتقال می دهند؛ اما فردای همان روز متوجه می شوید که دیپو کاملاً خالی شده است. از جمع چهل دو میلیون دالر اختلاس، مبلغ سی میلیون دالر به عنوان سهمیه به حساب بسم الله خان واریز شد.

همچنان محموله ی سرقت شده مهمات اردوی ملی از جمله صدها صندوق مردمی کلاشنیکوف از دیپوی خیرخانه سرقت کرده و برای فروش به طالبان به طرف لوگر حرکت داده بودند که برخی عوامل آن توسط امنیت ملی بازداشت شدند. با این حال افراد بازداشتی، با دخالت اینان پس از مدتی آزاد گردیدند.

از سوی دیگر گزارش سیگار یا اداره بازرسی عمومی امریکا برای بازسازی افغانستان می گوید که بیش از دویست هزار

قبضه سلاح مختلف النوع که از طرف وزارت دفاع امریکا به اردوی افغانستان کمک داده شده بود؛ ناپدید می باشند . منابع مختلف احتمال دست داشتن مقامات ارشد از جمله بسم الله محمدی را در ناپدید شدن این سلاح ها نادیده نمی گیرند. در همین حال منابع مختلف تایید می کنند که بخش قابل توجهی از بودجه و تجهیزات نیروهای نظامی افغانستان توسط باندهایی مانند باندی که بسم الله محمدی عضو اصلی آن است، غارت و چپاول می شود. آنچه واضح است این است که افرادی چون بسم الله محمدی نه به دلیل خدمات مردمی خود و بلکه به دلیل ارتباط با استخبارات کشورهای مختلف و نیز اهرم های فشار نظامی توسط گروه مسلح، برچوکی وزارت تکیه می زنند. با توجه به شرایط افغانستان و نفوذ بیش از حد کشورهای مختلف، انتظار نمی رود افرادی چون بسم الله محمدی، توسط ارگان های عدلی مورد پیگرد قرار گرفته و سرنوشت میلیاردها دالر پول حاصل از خوشخدمتی برای استخبارات بیگانه و پول حاصل از سرقت و دزدی از بودجه و امکانات نیروهای مسلح، به خزانه ای ملی بازگردد.

جنرال نذیر محمد

مغز متفکرترین شخصیتها را گلوله ندادن ترین انسانهای شکافد.



آنانکه در ظاهر چهره انسانی دارند نباید انسانهای حقیقی را با عملکردش تحقیر نمایند.

جنرال نذیر که مدت یازده سال است در فیض آباد به قلداری و ظلم می پردازد هیچ کس نیست که مردم مظلوم بدخشان به خصوص فیض آباد را از چنگ این ظالم نجات بدهد. نذیر محمد که در گذشته به زورگیری و ظلم، تجاوز به ناموس مردم، قاچاق مواد مخدر و دزدی، مصروف بود، مدتی شده است که توسط مارشال فهیم و یاران فهیم به حیث شهردار بدخشان تعیین شده است.

زورگیری از تجار و دکاندانان فیض آباد کار هر روز نذیر محمد و افراد او است اما بدبختانه در این مدت هیچ کس به شکایت مردم مظلوم بدخشان گوش نکرد. در کنار این همه می دانند نذیر محمد با استفاده از افراد مسلح خود در کنار تهدید و قتل مردم، پول های دولتی را به سرقت می برد و سبب آزار و اذیت مردم می شود. نذیر محمد با داشتن صد ها میل اسلحه و افراد او باش دست به هر جنایتی می زند و هر کسی که در برابرش حرف حق را بگوید به هزار توطئه و جنایت یا کشته می شود و یا خاموش ساخته می شود. و کیلان بدخشان، هریک لطیف یدرام، فوزیه کوفی، زلمی مجددی، امان الله بیمان، ذکریا سودا، شاه عبدالاحد، نیلوفر ابراهیمی، صفی مسلم و سارنوال روف، شما در برابر مردم تان مسوول هستید چرا به خاطر جلوگیری از فساد و ظلم نذیر محمد کاری نمی کنید، ننگ بر شما که خود را نماینده مردم می دانید.

جنرال نذیر محمد شاروال بدخشان، که او را فرعون فیض آباد می نامند. نذیر که فرد کمسواد است و مکتب را تا صنف هشتم در مکتب متوسطه لنگر در سال ۱۳۵۸ تکمیل نموده، فعلا اسناد فراغت تقلبی صنف چهارده دارالمعلمین را به همراه دارد. وی از قریه ده گه یقتل بالا مربوط مرکز بدخشان می باشد .

و بابت آوردن سند کورس های نظامی جمعیت در سال ۱۳۶۱ و از آن تاریخ به بعد پیشوند «جنرال» هم به نامش علاوه گردیده و منحنی قوماندان قطعه در جبهات جهادی حوزه مرکز بدخشان الی ۱۳۷۱ اجرای وظیفه کرد. بعد از شکست حکومت نجیب، منحنی قوماندان کندک ترمیم فرقه جهادی حوزه مرکز بدخشان، در سال ۱۳۷۳ قوماندان خند سوم ریاست جمهوری، در ۱۳۷۶ قوماندان لوای حوزه مرکزی بدخشان و در سال ۱۳۸۰ ... در بدخشان تعیین گردید . جنرال نذیر بعد از کشته شدن قوماندانانی چون نجم الدین واثق، مولوی عبدالحکیم، قیام الدین خردمند، و منفعل شدن بصیر خالد با ایجاد یک دسته جنایت کار که از هیچ جنایت و رذالت روگردان نبوده اند، به آدم مطرح در سطح بدخشان و

بالخصوص فیض آباد مبدل شد. او همه ساله جشن های بزرگشی و محافل بزرگی را به خاطر تحکیم موقعیت فعلی اش برپا می‌دارد و در آن وکیلان، قاچاقبران، رهبران و جنایت کاران فراوانی را از هر گوشه افغانستان دعوت می‌کند.

نذیر محمد هفت زن و بیش از سی پسر و دختر دارد و صاحب نواسه است ولی روزها و شب هایش ... سپری می‌شود. این عمل او نزد مردم عامه چه که حتی برای تعدادی از پسرانش که در راه پرخیانت پدر روان اند، زجرآور است.

در بدخشان بین سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۷ که کشت، پروسس و قاچاق مواد مخدر به اوج خود رسیده بود، نذیر محمد و باند قاچاقچیاننش از جمله آدم هایی بودند که در راس این معاملات گنبدیده، پولهای کلانی را با گرفتن حق‌العبور، «منطقه پولی»، توزیع جواز قاچاقبری برای قاچاقچیان و غیره به جیب می‌زدند. در عین حال او یکی از افراد کلیدی و مورد اعتماد در کار قاچاق مواد مخدر نزد فهیم در مربوطات فیض‌آباد می‌باشد که اموال قاچاق او را از فیض آباد به نادرشاه کوفی (برادر فوزیه کوفی) ولسوال کوف آب بدخشان و دیگر قاچاقبران این شبکه در ولسوالی های سرحدی وسیله می‌شود. نذیرمحمد که منحصت شاروال دو رنجر دولتی به خاطر امنیتش در اختیار دارد، از پولیس دولتی نیز استفاده می‌کند. در این سالها با وجود اینکه قاچاق مواد مخدر و بازار گرم اسلحه از میان نرفته است، بلکه خرید و فروش اسلحه و مواد مخدر به شکل باورنکردنی افزایش یافته است. قاچاق اسلحه از طریق همان تیم های ارتباطی قسیم فهیم از مرز های تاجیکستان به فیض آباد و از آنجا به سایر نقاط افغانستان صورت می‌گیرد و حتی این اسلحه قاچاق شده بدست طالبان نیر می‌رسند که مطبوعات غربی نیز آنرا در گذشته باربار گزارش داده اند.

نذیرمحمد به امر فهیم به حیث شاروال بدخشان تعیین گردیده است. در چند سالی که او درین پست کار می‌کند، هیچ زمین دولتی از نظرش پنهان نمانده، زمین هایی را که ملکیت قبرستان، مکتب، شفاخانه و یا سایر مراکز عامه مردم بود بدون دغدغه به فروش رسانیده ازین درک صدها میلیون افغانی بدست آورد و این پروسه خاینانه متاسفانه تا هنوز با تمام شدت جریان دارد. زمین هایی که برای اعمار دکان درج املاک شاروالی می‌شوند، صاحبان آن تنها زمانی می‌توانند شروع به کار نمایند که بخاطر بدست آوردن جواز، یک میلیون افغانی رشوه از طریق گماشته های نذیرمحمد به او پرداخت کنند. پولی که به اصطلاح بطور قانونی شاروالی از درک توزیع دکان ها اخذ می‌نماید شکل دیگری از رشوه گیری است که زیرنام شیرینی گیری در میدان باز اجرا می‌شود.

اتفاقات زیادی هم رخ داده است که از درک فروش زمین، در بدل یک دکان از چندین نفر پول اخذ گردد. خریداران در جریان اعمار دکان های خود پی می‌برند که جنرال خاین بابت دکان شان از چندین نفر دیگر هم پول گرفته است که جدالهای حل ناشدنی را بین این خریداران به بار آورده است.

زمین مکتب شهنه شهید، قبرستان خواجه معروف (که ملکیت شفاخانه مرکزی بدخشان است)، زمین های دشت قرغ که ملکیت های عامه مردم است و دیگر زمین ها از جمله ساحات غصب شده توسط وی می‌باشند. از زمین های چپاول شده دشت قرغ، خانواده برهان الدین ربانی نیز صاحب دهها نمره زمین شدند و در ضمن شمس‌الرحمن معاون والی بدخشان که از جمعیتی های منفور است، حدود بیست نمره زمین را به خودش اختصاص داد.

در منطقه دشت قرغ و اطراف میدان هوایی فیض آباد صدها نمره زمین را توسط قاری صمد و لنگ دولت که خود را نمایندگان معلولین بحساب می‌آورند بفروش رسانید که جنرال نذیرمحمد گرداننده اصلی این چپاول بوده و قاری صمد و لنگ دولت پوشش به اصطلاح قانونی ماجرا می‌باشند که شاید بیش از دو نمره زمین نصیب شان نشده باشند.

از آنجاییکه والی، قوماندان امنیه و دیگر مقامات دولتی بدخشان همه شرکای جرم و هم‌جزبی های نذیر اند، هیچکسی قادر نیست علیه او چیزی بگوید و یا جلو او را بگیرد. سال گذشته نامه‌ای از جانب یک «کارمند امنیت ملی» بدخشان در چندین سایت اینترنتی منتشر شد که نوشته به دلیل «عذاب وجدان» نمی‌تواند در برابر جنایات نذیر خاموش بماند، بنا به گوشه هایی از خیانت های او اشاره دارد که در بخش هایی از آن نوشته است:

جنرال نذیر محمد که با حمایت مارشال فهیم، شهردار بدخشان تعیین شده است، عامل قتل، دزدی و بسا کارهایی که در بدخشان سبب آزار مردم و ناامن سازی می‌شود، شناخته می‌شود.

با مستقر شدن گروه بازسازی ولایتی آلمان ها در بدخشان، نذیرمحمد برای قدرت نمایی آلمان ها را تهدید نمود که اگر به او پول ندهند و مسنولیت تأمین امنیت مرکز فرماندهی آلمان ها در بدخشان را به او ندهند، تأمین امنیت بدخشان برای آلمان ها سخت و هوشب بالای آن ها حمله خواهد شد. برای ثابت ساختن این گفته‌اش، هر از گاهی شبانه به سوی مقر فرماندهی آلمان ها و میدان هوایی و دیگر دفاتر موسسات بین‌المللی در فیض آباد، راکت فیر می‌شد که توسط نیروهای نذیر محمد صورت می‌گرفت.

گروه او در میان فیض آباد، ولسوالی های همجوار فعالیت دارند و در این چند سال بارها، پول همبستگی، معاش معارف و دیگر نهادهای دولتی توسط افراد او به سرقت رفته است.

ادارات کشفی و امنیتی بدخشان از یک سو از ترسی که از او دارند، با نذیر محمد درگیر شده نمی‌توانند و از سوی دیگر آن ها با شرکت در مهماتی های نذیر محمد، خود را به او مدیون می‌دانند و در برابرش اقدامی نمی‌کنند.

حتا والیان بدخشان، از او دستور می‌گیرند که چه کاری کنند و چه کاری نکنند. اکنون که او نزدیک به یک سال است با حکم مارشال فهیم شهردار بدخشان شده، در حالی که او مکتب را تا صنف شش خوانده و سواد درست خواندن و نوشتن ندارد. ملاصبور هم قوماندان امنیت بدخشان، از افراد خاص مارشال فهیم است و مارشال به او دستور داده است که با نذیر محمد همکار بوده و به او کاری نداشته باشد.

در ماه جدی ۱۳۹۰ نامه ی به امضای «مردم بدخشان» در رسانه های بیشمار اینترنتی منتشر شد که از مظالم نذیر محمد ناله سر داده شمه ی از جنایات او را افشا کرده بودند. بخش هایی از این نامه :
ما مردم بدخشان اعم از زن و مرد مویسفید و جوان، از رییس صاحب جمهور، مطبوعات و پارلمان افغانستان میخواهیم که به شکایت ما گوش نموده و جلو نذیر محمد ظالم را بگیرند .
از جنایتها و فساد نذیر محمد که دختران جوان و بچه های جوان مردم بدخشان را به زور برده و بر آن ها تجاوز می کند صد ها دوسیه در کمیسیون حقوق بشر و سارنوالی وجود دارد اما به خاطر حمایت مارشال صاحب فهیم معاون اول رییس جمهور از او، هیچ کس جلوظلم و ستم نذیرمحمد را نمی‌گیرد .

ولایت بدخشان، سارنوالی بدخشان و محکمه همه از نذیر محمد می‌ترسند و در برابر ظلم او هیچ کاری کرده نمی‌توانند ولی برای ما کاملاً جای سوال است که چرا کمیسیون حقوق بشر، دفتر یوناما نمایندگی سازمان ملل و دیگر نهاد های بین‌المللی در برابر جنایت های نذیرمحمد خاموش هستند؟ وکیلان بدخشان، هریک لطیف پدرام، فوزیه کوفی، زلمی مجددی، امان الله پیمان، ذکریا سودا، شاه عبدالاحد، نیلوفر ابراهیمی، صفی مسلم و سارنوال روف، شما در برابر مردم تان مسنول هستید چرا به خاطر جلوگیری از فساد وظلم نذیر محمد کاری نمی‌کنید، ننگ بر شما که خود را نماینده مردم می‌دانید . جنرال نذیرمحمد حتا از طالبان در برابر حریفانش استفاده می‌کند. نمونه زنده‌اش حمایت او از کسی به نام مولوی علوی که از چهره های خطرناک طالبان بود و حالا در زندان پلچرخی است. علوی پسر کاکای نذیرمحمد است و با حمایت او چندین انفجار و حمله را در بدخشان انجام داد که سرانجام توسط نیروهای خارجی بازداشت شد ولی کسی نذیر محمد را پرسیان هم نکرد. همین طور در انتخابات ریاست جمهوری اول، موترحامل والی بدخشان سید اکرام‌الدین معصومی و داکتر شمس را که به حمایت احمد ضیا مسعود تلاش می‌کردند، انفجار داد که در نتیجه داکتر شمس کشته شد. دوسیه این حادثه تا هنوز در امنیت ملی موجود است ولی متأسفانه به دلیل حمایت مارشال از نذیر محمد کسی ورقش را بالا نمی‌کند . نذیر محمد با داشتن صدها میل اسلحه و افراد اوپاش دست به هر جنایتی می‌زند و هر کسی که در برابرش حرف حق را بگوید به هزار توطئه و جنایت یا کشته می‌شود و یا خاموش ساخته می‌شود .
پسرانش و سایبانش را کنار تیل فروشی ها توقف داده و تیل مورد ضرورت همه روزه موترهای شانرا بدون پرداخت پول بدست می‌آورند و صاحبان تانک ها از ترس جان جرنت ندارند پولش را مطالبه کنند .
نذیرمحمد در مقابل رهایی مجرمین از چنگ دولت پول های هنگفت می‌ستاند مهم نیست که چه جرمی باشد از تجاوز، قتل، دزدی شروع تا هر نوع جرمی را در مقابل پول راه حل دارد، که طبعاً نوعیت و سنگینی جرم مقدار این پول را بیشتر می‌سازد . در بزکشی ی که در بهار ۱۳۹۱ در میدان بزکشی فیض آباد برگزار گردیده بود، پسر نذیر محمد با شخصی درگیر می‌شود که در نتیجه یک نفر عادی کشته شده و بزکشی برهم می‌خورد. با آنکه یک فرد بیگناه در جنگ پسر نذیر کشته می‌شود، اما صدای اعتراض از هیچ جایی بلند نشد، نه از آدرس رسانه های محلی و نه از شعبه ولایت و مقامات امنیتی بدخشان . نذیربا تمامی پلشتی ها و لومپنی‌هایش، تحسین نامه هایی از جانب پارلمان، ریاست جمهوری، مجلس سنا، و دیگر ارگان های مهم دولت بدست آورده است. این «تحسین نامه» ها سندیسست براین حقیقت تلخ که در دولت پوشالی کرزی، هرچه خاین و جانی و دزد و قاتل است مورد ستایش و حمایت قرار می‌گیرد و حیات مردم مظلوم برای حکام فاسد و ضدملی کوچکترین ارزشی ندارد .

نواندیش شاروال کابل



نردبان این جهان ما و منی است

عاقبت این نردبان افتادنی است

لاجرم آنکس که بالاتر نشست

استخوانش سختتر خواهد شکست .مولانا

اسنادی بدست آمده که نشان می‌دهد که محمد یونس نواندیش شهردار کابل حدود پنجاه دو میلیون افغانی اختلاس کرده است. این سند مشخص می‌کند که در پروژه ساختمان سرک هتل انترکانیتال میدان هوایی در منطقه کارته پروان مقداری خاک مخروبه غیر ضروری قابل انتقال موجود بوده که انتقال آن توسط ریاست حفظ و مراقبت کار شهرداری صورت گرفته است. اما درسلسله این اسناد اوراقی وجود دارد که نشان می‌دهد نو اندیش انتقال خاک مخروبه این ساحه را به شرکت ترکی کاپی انترنیشنل عقد کرده است و ازین بابت حدود پنجاه دومیلیون افغانی به شرکت فوق حواله و تأدیه شده است. این سند همچنین نشان می‌دهد که مبلغ چهارده لک دالر آمریکایی قرض شرکت که سال‌های گذشته از شهرداری بیشتر پول اخذ نموده بودند نیز به همین شرکت در زمان رهبری نو اندیش داده شده است در حالیکه این پروژه از پروژهای سابقه شاروالی می‌باشد و هیچ شهرداری چنین فعالیت غیر قانونی انجام نداده است. این پرونده توسط ریاست امنیت کابل تعقیب می‌شود و مورد ارزیابی دقیق صورت گرفته است، همچنین استعلاماتی وجود دارد که حاکی از ارایه معلومات توسط ریاست حفظ مراقبت شاروالی درخصوص انتقال مواد همین ساحه می‌باشد و همچنین سایر اسناد دقیق حاکی از اختلاس شهردار کابل می‌باشد. این اسناد همچنین نشان می‌دهد که شهردار کابل با تأدیه این پول‌ها به رییس شرکت کاپی انترنیشنل احمد بیگ یک تعمیر را با تماماً محلفات آن در ترکیه برای نو اندیش خریداری و در دسترس شان قرار داده اند و همین مسایل پناهندگی شهردار را در ترکیه روی دست گرفته است.

املاک استملاک شده چهل سال قبل از سوی شهردار، غصب ملکیت دولت و توزیع آن، دادن پول به شرکت های قراردادی، گرفتن دو قرارداد به یک سرک، درخواست پرداخت پول اضافی از شرکت لطیفی بخشی از اتهامات مجلس به شهردار کابل هستند. به گفته نمایندگان، خرابی سرک‌ها در شهر کابل، جمع کردن پول توسط شهردار به بهانه اعمار آبدات تاریخی و گرفتن سه میلیون افغانی از مردم هلمند، اعمار شهرک های خلاف قانون تدارکات و بدون نقشه و سواستفاده از صلاحیت های وظیفه‌ای از نشانه‌های گسترده فساد و اختلاس توسط شهردار کابل هست. شهردار کابل جهت رد کردن فساد علیه خودش، نمایندگان مردم را متهم کرده که خواست‌های غیرقانونی از وی داشته‌اند. از مدتی بدینسو نزاع و کشمکش میان شهردار و تعدادی از نمایندگان مجلس در جریان است. نمایندگان مدعی‌اند که شهردار اخیراً تغییر کرده و بجای خدمت صادقانه برای مردم کابل، به اختلاس های بزرگ و جمع آوری پول مشغول شده است.

ادامه دارد...